

کارگران

سخن میگویند!

## هسته کارگری مبارز افغانستان

ثور ۱۳۹۲ (می ۲۰۱۳)

شماره پنجم

دور دوم



گرامی باد روز جهانی کارگر، بر کارگران زحمتکش در افغانستان و سراسر جهان!

اول می، روز همبستگی بین المللی کارگران بر همه گان مبارکباد

## گزارش

### بزرگداشت روز جهانی کارگر



در شرایط کنونی که در افغانستان بیکاری در همه سطوح اجتماعی بیداد میکند تمام اقشار و طبقات جامعه متقاضی کار میباشند؛ متأسفانه برای شان کار وجود ندارد و یا اگر وجود داشته باشد بسیار اندک بوده و نیازمندی مردم ما را مرفوع ساخته نمیتواند. از آنجائیکه افغانستان به یک کشور مستعمره و به پایگاه نظامی ناتو در منطقه مبدل شده و در راس این پایگاه ها بزرگترین انحصارگر جهان ایالات متحده امریکا قرار دارد که بخاطر منافع انحصارگرانه خویش منطقه را بحران زاء ساخته و طرح محاصره اقتصادی ایران را براه انداخته است. ولی درین میان ضربه اصلی را مردم افغانستان می خورند، زیرا افغانستان یک جامعه مصرفی بوده و از خود تولید نداشته و یا تولید آن به سطحی نیست که بتواند تکافوی جامعه ما را بنماید، "هسته کارگری مبارز افغانستان" روز جهانی کارگر را با شور و شوق انقلابی که مشتمل بر سخنانی ها، مقالات، دکلمه ها و سرود های انقلابی و نمایشات رزمی کیوکوشین کای کاراته بود تجلیل نمودند.



در تجلیل این روز با شکوه در حدود ۱۵۰ نفر اعم از زنان و مردان شرکت کرده بودند. این محفل مدت ۳ ساعت بطول انجامید. "هسته کارگری مبارز افغانستان" در طول این مدت چهره پلید اشغالگران و رژیم دست نشانده را افشا نمودند و علل و عوامل بیکاری، فقر، بدبختی و بیچارگی قشر زحمتکش و کارگر افغانستان را مورد ارزیابی قرار داده و تمامی جنایات اشغالگران و رژیم دست نشانده شان را که مسبب اصلی بدبختی این قشر ضربه خورده اجتماعی است را بطور همه جانبه و مستند افشاء نمودند.



نمایشات رزمی کیوکوشین کای کاراته توسط ورزشکاران جوان به اجراء



گذاشته شد که با حرکات "کاتا"، "شکستن اشیاء سخت از قبیل شیشه در آتش، شکستن کاشی، شکستن دسته بیل" و مبارزه تن به تن، همراه بود.

"هسته کارگری مبارز افغانستان" موضع صریح خود را در زمینه تشکل هسته های کارگری و بسیج و سازماندهی هرچه بیشتر و بهتر کارگران درین عرصه را تاکید نمود و اهداف خود را از تشکیل "هسته کارگری مبارز افغانستان" به سمع حاضرین در تالار رساند.



همچنان بناء به تقاضای یک تعداد از دوستان یک وقفه در وسط برنامه داده شد تا زمینه برای تبادل افکار میان کارگران و روشنفکران اشتراک کننده در محفل بوجود آید و سطح تماس برقرار گردد. اشتراک کنندگان و کارگرانی که درین محفل شرکت کرده بودند با استقبال هرچه بهتر این محفل سطح همکاری و همبستگی شان را با فعالین "هسته کارگری مبارز افغانستان" اعلام داشتند.



"هسته کارگری مبارز افغانستان" در اخیر محفل قطعنامه خویش را با خواست های فوری و عاجل دموکراتیک شان را به سمع حاضرین رساند و به تعداد مورد نیاز در میان حاضرین در تالار توزیع گردید.

اول می ۲۰۱۳

سراپا کاخ این زور آوران گر زیوری دارد

ولی بزم تهیدستان صفای دیگری دارد

نیارد باد، امشب خاک راهش را برای ما

مگر در رهگذار او کسی چشم تری دارد

سلام!

ای مهربانان امروز، سلام!

سلامم به گرمی دست تو دوست

دل لحظه ای با دلت روبروست!

بگو عاشق میهنی، تا سلامت کنم

تمام دل را یکجا، به نامت کنم!

-----

یک آهنگ خوب شاد و در میان موزیک صحبت کردن :

هسته کارگری مبارز افغانستان تقدیم میکند. لحظات شادی را برای تان آرزو مندیم.

امروز یازدهم ثور مصادف است با اول می روز جهانی کارگر!

در چنین روزی، اندیشه و عمل طبقه کارگر در میان تمامی کارگران، محرومان و ستم دیده گان - نه تنها در درون کشور بلکه در سراسر جهان طنین انداز میشود.

روز جهانی کارگر بر تمام کارگران مبارکباد!

روز جهانی کارگر، روز پیوند تنگاتنگ مبارزاتی کارگران ستمدیده جهان است.

روز جهانی کارگر، روزی است که کارگران باید هویت طبقاتی و نقش بین المللی خویش را به نمایش بگذارند و در سطح جهانی و یکایک کشور های جهان، تحت رهبری نیروی پیشاهنگ انقلابی شان بخاطر رسیدن به جهانی بری از هرگونه ظلم و ستم در جهان حرکت نمایند.

ما بزرگداشت از روز جهانی کارگر را در اول می امسال تحت عنوان مبارزه برای رسمیت یافتن روز جهانی کارگر در افغانستان و اعلام این روز به عنوان روز تعطیل عمومی به عمل می آوریم.

در جشن بزرگ روز جهانی کارگر قرار داریم.

روزی که میلیون ها کارگر در سراسر جهان، به جاده ها می ریزند و برای احقاق حقوق شان اعاده حیثیت میکنند. ما نیز امیدواریم که برگزاری این محفل بتواند بعنوان یک گام مبارزاتی مثبت، تلاش برای بسیج و سازماندهی انقلابی مستقل کارگران را یک گام دیگر جلو برد و زمینه را برای تشکیل هسته های کارگری مبارز دیگر در پهلوی هسته کارگری مبارز موجود مساعد سازد.

موزیک بند!

خوب! از جناب آقای بهناد مبارز تقاضا میکنم که تشریف آورده و بیانات گرم شان را خدمت شما ارائه بدارند! لطفا تشویق شان کنید.

## چرا مبارزه میکنیم

بزند، آن وقت است که استثمارگران "بافرهنگ" میزنند، اسیر میکنند و میکشند، فقط بخاطر اینکه اینها پای شان را از گلیم شان درازتر کرده اند.

بله، وقتی می بینی انسانی صبح تا شام مانند حیوانی بارهای مردم را بر دوش کشیده و از این طرف شهر به آن طرف شهر رهسپار است، یا پیرزنی که با پای برهنه بین خرابه ها به دنبال ریزه های نان خشک میگردد، یا پیرمردی که رمق و توان راه رفتن و درست ایستادن ندارد و دست پیش این و آن دراز میکنند و روزگار خود را بعد از هفتاد سال خواری و زحمت به این سرزمین با گدائی سپری می نماید، یا آن زنی که همسرش را بخاطر آزمندی حکام مرتجع و خودفروخته در صحنه نبرد قدرتها از دست داده و امروز مجبور است خودش را به فحشاء، دزدی، اعتیاد و هزاران مفاسد جاری در جامعه آغشته و آلوده سازد و هزاران گفته ناگفته دیگر؛ آیا بازهم میتوان با گذشت بود؟ حقوق این محرومان کجا شده است؟ مگر حقوق شان را غارت نکرده اند؟ مگر اینها برای همین کارها ساخته شده اند و مشتی اوباش برای عیاشی و خوشگذرانی اند؟

بله، در جامعه طبقاتی عده کثیری از مردم محروم از همه چیز وعده قلبی بی نیاز از همه چیز زندگی میکنند. تا چنین باشد دزدی، زنا، فحشاء و غیره اعمال ضد انسانی از کارهای رایج جامعه و محیط بوده و موعظه های کهن و پوسیده صرفا نتایج مفیدی برای مروجین آنها خواهد داشت:

"امرا موعظه اخلاق میکنند ولی جامعه بد اخلاقی میاموزد."

وجود این مفاسد در جامعه طبقاتی امری اجتناب ناپذیر است. این وظیفه ایمانی و وجدانی نیروهای انقلابی است که در بین توده های محروم وظیفه سترگ انقلابی خود را انجام دهند، رهنمایشان باشند؛ بهره کشی ها و مظالم استثمارگران و هزاران فجایع دیگر را که بالای زحمتکشان اعمال میشود، فاش نمایند. آنها باید هر پدیده اجتماعی را با دقت و آگاهی انقلابی درک نموده و به موقع برای توده های

بر همگان واضح و آشکار است که کشور ما از سالیان متمادی به اینطرف به فقر و گرسنگی و عدم آموزش صحیح دچار است. این وضعیت باعث گردیده تا مردم این مرز و بوم در منجلاب جهالت و بی خبری از همه جا غرق گردند. توده های زحمتکش کشور که صبح تا شب بخاطر بدست آوردن لقمه نان بخور و نمیری از منزل خارج شده و در بین بازارهای شهر بطریقه های مختلف و انواع گوناگون مصروف پیدا کردن لقمه نان می گردند، امید و آرمان شان صرفا این است تا غروب بتوانند مبلغی برای خرجی اهل و عیال شان بدست آورند. در شرایط کنونی به نظر ایشان آینده تاریک است و به آینده بهتر چندان امیدی ندارند.

یکی از عوامل مهم این ناامیدی و یاس توده های زحمتکش، ناآگاهی است. آنها "نصایح اخلاقی" ای از قبیل: دزدی مکن، مال مردم را نخور، پای خود را از گلیمت دراز مکن، خشمگین مشو، فروتنی و تواضع خصلت مردان است، با گذشت باش، و یا اینکه از فقیران و بینوایان دستگیری کن، هرکسی برای کاری ساخته شده است و غیره را شنیده اند و به آنها باور دارند. اما آگاهی طبقاتی ندارند و در مورد منافع طبقاتی شان چیز زیادی نمیدانند.

وظیفه و مسئولیت کارگران آگاه است تا به این مردم محروم از دانش و فرهنگ اصیل، دانشی را که بحال شان مفید بوده رفاه و آسایش واقعی را برای شان بدنبال داشته باشد، به آنها برساند. برای توده های زحمتکش باید تبلیغ و ترویج انقلابی صورت گیرد تا آنها بدانند که چگونه یک فرد دزد بار می آید و علت اساسی دزدی اش چیست؟ آنها باید بدانند که لازمی و حتمی است تا پای آنها از گلیم شان درازتر شود. آنها باید از خواب جهل و نادانی بیدار شوند، با تمام معایب جامعه طبقاتی آشنا گردند و علیه این معایب دست به مبارزه زنند.

هزاران فرد محروم در طول تاریخ خواهان چنان مبارزه ای بوده اند و بخاطر خود و هم طبقه شان که اگر پیراهن دارند کفش ندارند، اگر نان دارند آب ندارند، اگر لباس کهنه ای دارند خانه ندارند و بی خانمان هستند، تلاش کرده اند. وقتی محرومان جامعه دست به چنین مبارزه ای

## زحمتکشان!

محروم تشریح نمایند و آنها را با حقوق شان آشنا نمایند. در غیر آن، این نیروها، نیروهای انقلابی نخواهند بود.

دشمن عمده شما در شرایط کنونی اشغالگران به رهبری امریکای جنایتکار میباشد. تا زمانیکه آنها را از کشور بیرون نسازید و رژیم دست نشانده شان را سرنگون نسازید و حاکمیت عدل و انصاف خویش را برپا نکنید، همین آش است و همین کاسه.

برای عملی ساختن این کار ستیغ فقط و فقط تشکیلات و اتحاد آگاهانه شما ضروری است. پس به "هسته کارگری مبارز افغانستان" پیوندید، تا یکجا و با هم متحداً به سمت اهداف والای مان به پیش رویم.

پس برماست تا گرد هم آئیم، جمعیتی تشکیل دهیم، متحد شویم و با آگاهی انقلابی خود را مزین سازیم و بصورت متشکل دست به مبارزه بزنیم. خوشبختی و خرسندی ما فقط و فقط زمانی میسر خواهد بود که در راه رهائی زحمتکشان گام برداریم و این مبارزه را تا پیروزی دنبال نمائیم. ما نیاز کامل به همکاری و همبستگی با یکدیگر داریم. اگر نیروهای آگاه و پیشرو و دارای درک عمیق علمی، این نیازمندی ها را نادیده بگیرند، دشمنان و استثمارگران غاصب فرصت های بهتری برای بهره برداری از ما بدست خواهند آورد و ما خود جز اشک ندامت و آه حسرت بار چیز دیگری بدست نخواهیم آورد.

با تشکر فراوان از جناب آقای مبارز!

پسر یکی از کارگران در صنف اول مکتب راجع به درس بابا همراه معلم خود مشکل داشت، متن صحبت های معلم و شاگرد را در قالب شعر به سمع تان میرسانم!

موزیک تراژید و غم انگیز!

صدای ناز می آید

صدای کودک پرواز می آید

صدای رد پای کوچه های عشق پیدا شد

معلم در کلاس درس حاضر شد

یکی از بچه ها از عمق دل فریاد زد

برپا!

همه برپا

چه برپائی شده "برپا"

معلم نشئاتی دارد

معلم علم را در قلب میکارد

معلم گفته ها دارد

یکی از بچه های آن کلاس درس گفتا

بچه ها برجا

معلم گفت: فرزندم بفرما، جان من بنشین، چه درسی؟

فارسی داریم؟

کتاب فارسی بردار

آب و آب را دیگر ---

نمیخوانیم!

بزن یک صفحه از این زندگانی را

ورق ها یک به یک رو شد

معلم گفت: فرزندم! ببین "بابا"

بخوان: "بابا"

بدان: "بابا"

عزیزم: این یکی "بابا"

پسر جان: آن یکی "بابا"

همه صفحه پر از "بابا"

ندارد فرق این بابا و آن بابا

بگو آب و بگو بابا

بگو نان و بگو بابا

اگر بخشش کنی با میشود

با -

با

اگر نصفش کنی با میشود

با -

با

تمام بچه ها ساکت  
نفس ها حبس در سینه  
به قلبی همچو آئینه  
یکی از بچه های کوچه بم بست  
که میزش جای آخر هست  
و همچون نی فقط نا داشت  
به قلبش یک معما داشت  
سوال از درس بابا داشت  
نگاهش سوخته از درد  
لبانش زرد  
ندارد گویی یا همدرد  
فقط، نا داشت  
به انگشت اشاره او  
سوال از درس بابا داشت  
سوال از درس بابای زمان دارد  
تو گوئی درس هائی بر زبان دارد  
صدای کودک اندیشه می آید  
صدای بی ستون  
فرهاد  
یا شیرین  
صدای تیشه می آید  
صدای شیرها از بیشه می آید  
معلم گفت: فرزندم سوال چیست؟



بگفتا آن پسر : آقا اجازه ؟ این بابا و آن بابا یکی هستند؟

معلم گفت: آری جان من بابا همان باباست

پسر آهی کشید و اشک او در چشم پیدا شد

معلم گفت: فرزندم بیا اینجا، چرا اشکت روان گشته؟؟

پسر با بغض گفت: این درس را دیگر نمیخوانم

معلم گفت: چرا جانم؟ مگر این درس سنگین است؟

پسر با گریه گفت: این درس رنگین است

دو تا " بابا " یکی "بابا" ؟

تو می گوئی که این بابا و آن بابا یکی هستند..

چرا بابای من نالان و غمگین است

ولی بابای آرش شاد و خوشحال است؟

تو می گوئی که این بابا و آن بابا یکی هستند..

چرا بابای آرش میوه از بازار میگیرد؟

چرا فرزند خود را سخت در آغوش میگیرد؟

ولی بابای من هر دم ذغال از کار میگیرد؟؟؟!

چرا بابا مرا یک دم به آغوشش نمیگیرد؟

چرا بابای آرش صورتش قرمز ولی بابای من تار است؟

چرا بابای آرش بچه هایش را همیشه دوست می دارد؟

ولی بابای من شلاق را بر پیکر مادر به زور و ظلم می کارد؟

تو می گوئی که این بابا و آن بابا یکی هستند!!

چرا بابا مرا یک دم نمی بوسد؟

چرا بابای من هر روز می بوسد؟

چرا در خانه آرش گل و زیتون فراوان است؟

ولی در خانه ما اشک و خون دل به جریان است؟

تو می گوئی که این بابا و آن بابا یکی هستند؟!

چرا بابای من با زندگی قهر است؟

معلم صورتش زرد و لبانش خشک گردیدند

به روی گونه اش اشکی ز دل برخواست

چو گوهر روی دفتر ریخت

معلم روی دفتر، عشق را می ریخت

و یک بابا

ز اشک آن معلم پاک شد از دفتر مشق اش

بگفتا

دانش آموزان !

بس است دیگر

یکی بابا درین درس است

و آن بابای دیگر نیز

پاک کن را بگیرد ای عزیزانم

یکی را پاک کردند و معلم گفت:

جای آن یکی بابا

خدا را در ورق بنویس!

و خواند آن روز

خداست بابا !

تمام بچه ها گفتند: خداست بابا ، خداست بابا!

تشکر !

درین قسمت از گروه هنری مان تقاضا میکنم که به روی استیژ آمده و آنچه را تهیه دیده اند خدمت تان ارائه نمایند. تا آمدن شان تشویق کنید لطفا!

سرود اول

با غیر نمی جوشم، با خصم نه پیوندم

پیمان وفاداری با مردم خود بندم (۲)

\*\*\*\*\*

هردم بتواند یشم، بیگانه من از خویشم

با سوز تو همراهم ، با درد تو خرسندم

با درد تو خرسندم

با غیر نمی جوشم، با خصم نه پیوندم

پیمان وفاداری با مردم خود بندم (۲)

\*\*\*\*\*

در سنگر و در دفتر، در کوچه و در بازار

میرقصم و می جنگم، می گریم و می خندم

می گریم و می خندم

با غیر نمی جوشم، با خصم نه پیوندم

پیمان وفاداری با مردم خود بندم (۲)

\*\*\*\*\*

در عشق تو می سوزم، با سوز تو می سازم

در آتش سوزانت، چون دانه اسپندم

چون دانه اسپندم

با غیر نمی جوشم، با خصم نه پیوندم

پیمان وفاداری با مردم خود بندم (۲)

\*\*\*\*\*

تا خون به رگم باشد، در راه تو می ریزم

ای عشق من ای میهن، باشد به تو سوگندم

باشد به تو سوگندم

با غیر نمی جوشم، با خصم نه پیوندم

پیمان وفاداری با مردم خود بندم (۲)

\*\*\*\*\*

من خصم زبون سازم، من گرد سراندام

بر مرگ ستم کیشان، میرقصم و میخندم

میرقصم و میخندم

با غیر نمی جوشم، با خصم نه پیوندم

پیمان وفاداری با مردم خود بندم (۲)

با تشکر از گروه هنری!

پیش دگران دست درازیم همه

با آنکه ز فقر پاکبازیم همه

با کثرت فقر بی نیازیم همه

اشراف طمعکار اگر بگذارند

کارگران افغانستان در وضعیت بسیار ناگواری بسر می برند. اکثریت آنها از بیکاری رنج می برند. عده کمی از آنها که کار پیدا می نمایند، یا کار های شان موقتی و فصلی است و یا مزد کار شان آنقدر ناچیز است که حتی تکافوی مصرف متوسط یک فرد مجرد را هم کرده نمی تواند، چه رسد به مصرف یک خانواده. برنامه باز سازی رژیم و اربابان خارجی اش، باعث بیکاری و در بدری روز افزون کارگران افغانستان شده است. در چنین شرایطی از یکجانب هر گونه اعتراضات کارگری از طریق سرکوب و یا فریب خوابانده می شوند و از جانب دیگر عرصه های کاری در کشور های همسایه نیز بصورت پیهم بالای کارگران بیکار کشور تنگ تر و تنگ تر می گردد.

بنا برین کارگران بیشتر از هر زمان دیگری نیاز دارند که مستقلانه خود را سازماندهی نمایند و بصورت متشکل برای تامین حقوق شان مبارزه نمایند.

اتحادیه های کارگری فرمایشی، تشکل مبارزاتی مستقل کارگران نیستند. آنها نه می توانند و نه می خواهند کارگران را بخاطر مبارزه برای تامین حقوق شان سازماندهی نمایند. کارگران افغانستان نیاز دارند مستقلانه خود را سازماندهی نمایند. تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان اولین گام درین راستا محسوب می گردد.

هدف ما از تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان عبارت اند از:

۱ - یک صدای مستقل برای بیان وضعیت وخیم کارگران و اعتراضات بر حق شان به وجود بیاوریم.

۲ - کارگران را در سائر نقاط کشور برای تشکیل هسته های کارگری مبارز تشویق کنیم.

۳ - و بخاطر ایجاد یک تشکیلات کارگری مبارز وسیع در سطح کل کشور سطح مبارزاتی این هسته های کارگری را به هم پیوند دهیم.

کارگران برای پیشبرد مبارزات حق طلبانه شان و برای مبارزه در راه ایجاد یک جامعه کاملاً انسانی باید مستقلانه متشکل شوند. تشکیل هسته کارگری مبارز افغانستان، اولین گام مبارزاتی مستقل کارگران افغانستان در این مسیر طولانی مبارزاتی است. یقین کامل داریم که این گام کوچک و ابتدایی مبارزاتی ما نه تنها مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز افغانستان، بلکه مورد حمایت شخصیت ها و نیروهای مبارز سائر کشور ها، بخصوص تشکلات کارگری مبارز، قرار خواهد گرفت.

جمعی از دوستان حاضر در تالار تقاضا کردند که در بین برنامه یک وقفه کوتاه داشته باشیم تا جمعی از دوستانی که در محفل حضور دارند بتوانند بین هم به صحبت و گفتگو کنند. بناء ما هم تقاضای این عده از حاضرین محترم را به دیده قدر نگریسته و یک وقفه کوتاه در بین برنامه ایجاد میکنیم تا زمینه تبادل افکار و بحث آزاد میان مهمانان عزیز مساعد شود. بعد از وقفه برنامه را ادامه خواهیم داد.

وقفه ده دقیقه ای در وسط برنامه و موزیک بسیار نرم و سنگین!

تا حیات من به دست نان دهقان است و بس

جان من سر تا به پا قربان دهقان است و بس

رازق روزی ده شاه و گدای بعد از خدای

دست خون آلود، بذر افشان دهقان است و بس

در اسد چون حوت سوزد زآفتاب و عاقبت

بی نصیب از سنبله میزان دهقان است و بس

آنکه لرزد همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام

در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس

دست هرکس در توسل از ازل با دامنی است  
تا ابد دست من و دامان دهقان است و بس  
دور دوران هر دو روزی بر مراد دوره ایست  
آنکه ناید دور آن دوران دهقان است و بس  
بر سر خوان، خواجه پندارد که باشد میزبان  
غافل است از اینکه خود مهمان دهقان است و بس  
منهدم گردد قصور مالک سرمایه دار  
کاخ محکم، کلبه ویران دهقان است و بس

درین قسمت ببینیم که سیروس جان چه دکلمه ای را آماده کرده اند؟ لطفا تشویق شان کنید!

سلام!

روز جهانی کارگر است و درین روز میلیون ها کارگر در سراسر جهان به گرامیداشت این روز میروند، من هم به نوبه خود این روز را برای تمام کارگران و زحمتکشان خصوصا کارگران و زحمتکشان کشورم تبریک و تهنیت عرض میدارم. به امید آن روز که دیگر فقر و بدبختی درین جامعه دیده نشود شعری را تحت عنوان " درس تاریخ " تهیه دیدم که امید مورد توجه تان قرار گیرد.

### درس تاریخ

عاقبت حال جهان طور دگر خواهد شد	زبر و زیر یقین، زیر و زبر خواهد شد
این شب تیره اگر روز قیامت باشد	آخرا لمر به هر حال سحر خواهد شد
درس تاریخ به من مژده جانبخشی داد	زور از بازوی سرمایه بدر خواهد شد
دشمنان گرچه به جدیت و جهاند ولی	جهد و جدیت این قوم هدر خواهد شد
آید آنروز که ما نیز به مقصود رسیم	وین خبر در همه آفاق ثمر خواهد شد
نان درویش اگر از خون دل و اشک تر است	دشمنش غرقه به خون آب جگر خواهد شد
گوید امید سر از باده پیروزی گرم	رنجبر، مظهر آمال بشر خواهد شد

با تشکر از سیروس جان!

کارگرا!

رنجبرا!

اختر تابنده توئی

گوهر رخشنده توئی

در صف خدمت به وطن

پیشرو و سازنده توئی

قدرت بازوی تو باشد به جهان رمز حیات

وحدت و نیروی تو چون فاتح و شمشیر نجات!

درین قسمت از دوست عزیز خود آقای شایان تقاضا میکنم تا آنچه را که تهیه دیده خدمت تان ارائه نماید. لطفا تشویق شان کنید!

ای چکش کوب سربی هنر بدگهران

کارگر ای تپش موج خروشان زمان

جان من فرش رخت باد ، درو دم به تو باد

من هم به نوبه خود به صفت یک کارگر روز جهانی کارگر ره از صمیم قلب به تمام کارگران زحمتکش چه در افغانستان و چه در هر گوشه دنیا هستند تبریک و تهنیت عرض میکنم. مایم درد دل یک کارگر افغانستانی برگشت داده شده از ایران را بری شما صحبت کنم و صحبت های خور در قالب یک مقاله نوشته کردم تا کمی گپ منسجم تر باشه، به این خاطر امیدوارم که خواندن مقاله بری شما خسته کن تمام نشه!

نمیری برای ما میدادند و مامورین برخورد غیر انسانی با ما داشتند. تا اینکه امروز رد مرز شدیم. هرکدام ما پنجصد الی ششصد هزار تومان بالای صاحب کاران خود طلب هستیم که باقی ماند و ما بدون پول کافی برگشتیم. من گفتم که در ولایت شما کار نیست؟ یکی از آنها با پوزخند جواب داد که ما در افغانستان دولتی نداریم و کسی غم این ملت را نمیخورد، راننده گفت که پول زیادی به افغانستان کمک شده لکن ما بر بدبختی گرفتاریم. یکی از کارگران خندید و گفت که هرچه پول امریکا به افغانستان بیاورد بدست کرزی و وزیرانش و بعد دو مجلس سنا و ولسی جرگه و جنگ سالاران چوروچپاول میشود و برای مردمان غریب چیزی نمیرسد در نتیجه ما آواره ملک های بیگانه برای سیر نمودن شکم های گرسنه اولادهای خود میشویم. من گفتم که مملکت ما از طرف امریکائی ها و شرکایش اشغال شده است و اشغالگران پول را برای آنها می دهد که از منافع آنها حمایت کنند و بخاطر آنها خود را به کشتن بدهد. مانند پولیس یا اردو ثبت نام می نمایند و نوکری اجانب را

اوایل سال جاری که از ایران برمیگشتم به مرز افغانستان میخواستم که سوار تاکسی شوم که به هرات بیایم راننده به من گفت تو بنشین داخل موتر که دیگر سواری بگیرم و میرویم بعد از چند لحظه ای دیدم که راننده با پنج نفر کارگران افغانستانی که از ایران برگشته بودند آنها سوار شدند که جمعا شش نفر شدیم دو نفر جلو موتر و چهار نفر در عقب بعد ما سر و صدا نمودیم که بابا، عقب موتر سه نفر بیشتر جا نمیشوند، راننده گفت که پطرول گران است برایم کمتر از شش نفر نمیصرفد. بالاخره موتر حرکت کرد کمی که از مرز بطرف هرات در حرکت بودیم همین پنج نفر که همگی از ولایت بغلان بودند شروع کردند به ناسزا گفتن به مامورین امنیتی ایران و میگفتند که ما را از سرکار با لباس هیا کارمان گرفتند بدون اینکه مزد کارگری ما را از صاحب کار بگیرد ما را برای اخراج از ایران راهی اردوگاه (سفید سنگ) که کارگران اخراجی ازین اردوگاه نفرت شدیدی دارند کردند و مدت هفت شبانه روز را در آنجا مانند زندانی جنائی سپری نمودیم و نان بخور و

به رسمیت شناخت؟ افغانها در طول تاریخ نشان دادند که تسلط بیگانگان را بر کشور خود نمیخواهند. اولاً انگلیس ها را بعد روسها را و حالا وظیفه ماست که امریکائیهها و شرکایش را از کشور خود بیرون کنیم و رنوشت خود را خود ما رقم بزنیم اگر خارجیهها در مملکت ما باشند هیچگاه وضع زندگی ما خوب نخواهد شد. بلکه از این هم بدتر خواهد گردید تا اینکه به شهر رسیدیم این بحث ادامه داشت و وقتی که پایین شدیم کارگران هم نظر بودند که بله وظیفه و رسالت هر انسان است که چنین کنند و امیدواریم که بتوانیم دست به دست هم بدهیم و روزی ازین بدبختی ها نجات یابیم.

قبول می نمایند یکی از کارگران چنین اظهار داشت که اگر همین امریکائی ها نباشند طالبان باز به حکومت میرسند همان کیبل و جان ما خواهد بود. من بجواب او گفتم که طالبان هم محصول امرکائی ها بود و امریکا آنها برگرده ملت ما سوار نمود اگر طالبان شرط امریکا را مبنی بر تسلیم دادن بن لادن قبول میکردند امریکا دولت طالبان را به رسمیت می شناخت. ادامه دادم که در زمان جنگ افغان انگلیس که انگلیسها شاه شجاع را بر مردم حاکم کرد آیا اجداد ما نبودند که بر علیه آنها سلاح بیل و تبر برداشته و به آنها حمله کردند و بالاخره در جنگ سوم افغان انگلیس تمام سربازان متجاوز کشته شدند و انگلیس استقلال ما را

جهانی سپاس از آقای شایان!

با ما بیا ای کارگر

آتش بزن سرمایه را

برهم بزن ای بزرگر

نظم دژ بی پایه را

خواهی نجات از بردگی

برکن تو این سامانه را

تا جملگی پی افکنیم

دنیای نو آزاده را

درین قسمت گروه هنری مان برای تان هنر نمائی میکنند. لطفا تشویق شان کنید!

سرود دوم

متحد شوید سازید، جهان را گلستان (۲)

کارگران جهان، های آزادی خواهان

\*\*\*\*

تا که باشد راه و رسم نابکار ظالمان

کی توان آسوده خاطر زندگی کرد در جهان

برکنید از بیخ و بنیاد، نظام ظالمان (۲)

سالها بگذشت، ندیدیم روی خوش از زندگی

متحد شوید سازید، جهان را گلستان (۲)

کارگران جهان، های آزادی خواهان (۲)

\*\*\*\*

هیچ گاه نابود نگردد این نظام ظالمان

تا که متحد نگردیم ای خیل زحمتکشان

تا که هیچ فرقی نباشد بین مردان و زنان

انقلاب کارگری راه رهائی بشر است

متحد شوید سازید، جهان را گلستان (۲)

کارگران جهان، های آزادی خواهان (۲)

\*\*\*\*

قتل و غارت و تجاوزی نباشد آنزمان

مرز و زندان و شکنجه آنزمان افسانه است

تا در آن، جایی نباشد بر گروه مفت خواران

قانون انسانی سازید تا رسید به حق خویش

متحد شوید سازید، جهان را گلستان (۲)

کارگران جهان، های آزادی خواهان (۲)

\*\*\*\*

با تشکر از گروه هنری مان !

شاد همان ...

شاد همان ای هنر رنجبر



ای شرف دوده نوع بشر

ای ز تو آباد جهان وجود

هیچ نبود

هیچ نبود ار که وجودت نبود

و اما ....

حال اگر نوبت هم باشه ، نوبت باشگاه رزمی ساحل است. ما ضمن تشکر و سپاس از کلب ورزشی ساحل که آمادگی شان را در زمینه فعالیت مبارزاتی هسته کارگری مبارز افغانستان اعلام داشتند، درین قسمت تقاضا میکنیم نمایشات رزمی را که تدارک دیده اند خدمت شما به نمایش بگذارند. لطف خوب تشویق شان کنید!

باشگاه رزمی ساحل

کامل جان - در بخش کاتا نمایش میدهد. تشویق شان کنید لطفا

سیروس جان - در بخش کاتا نمایش میدهد. تشویق شان کنید لطفا

احمدفواد جان - در بخش کاتا نمایش میدهد. تشویق شان کنید لطفا

وحید احمد جان - با شکستن شیشه نمایش میدهد. این در حالی است که شیشه ها را با پتروول آتش زده است و میخواهد با تیغه دست بشکند. تشویق شان کنید لطفا

عزیز احمد جان - دسته بیل را به ساق پا میخواهد بشکند. تشویق شان کنید لطفا

احمد فواد جان - میخواهد دو دانه دسته بیل را با ساق پا بشکند. تشویق شان کنید لطفا

و حال نوبت مبارزه تن به تن از کلب ورزش های رزمی است:

مایل جان و نورآقا جان با هم مبارزه میکنند. تشویق شان کنید لطفا

فضل احمد جان و شفیق احمد جان هم با هم مبارزه میکنند. تشویق شان کنید لطفا

و حال نوبت به استاد فضل احمد طاهری رسید که با شکستن شانزده دانه کاشی توسط مشت میخواهد نمایش بدهد. تشویق شان کنید لطفا

و اینک استاد سلیمان حدید که در جام جهانی کیوکوشین کای کاراته جهان مقام بیست و یکم را از آن خود کرده میخواهد باشکستن ۲۱ دانه کاشی توسط مشت و شکستن دسته بیل به صورت عمودی نمایش دهد. تشویق شان کنید لطفا

با تشکر و سپاس از کلب ورزشی ساحل !

فقر و تنگدستی مایان کی به پایان می رسد  
حق پامال گشته ما کی به مایان می رسد

کرده اند آن مفتخواران خوار و حیران جسم ما  
این شکیبایی مایان کی به پایان می رسد

ارزش گاهی نشد قایل کسی بر کارگری  
سلطه این نامرادان کی به پایان می رسد

تا نگرديم متحد زحمتکشان با خرد  
عمر سلطانی گرگان کی به پایان می رسد

عمر ما ، بگذشت و ما فکری نکردیم بهر خویش  
سوختن و ساختن، عزیزان، کی به پایان می رسد

هم صدایی های مایان ضامن نیروی ماست  
این نفاق های فراوان کی به پایان می رسد

ساخته ایم شهر و دیار اما نبردیم بهره ای  
این نظام بی نظامان کی به پایان می رسد

تا که حاکم باشد آن سرمایه دار بی خرد  
جای باران پیسه بارد کی به پایان می رسد

درین قسمت باز هم از گروه هنری تقاضا میکنم که آنچه را تهیه دیده اند خدمت تان ارائه بدارند لطفا تشویق شان کنید.

### سرود سوم

ای شرف دوده نوع بشر  
هیچ نبود، ار که وجودت نبود (۲)

شاد بمان ای هنر رنجبر  
ای ز تو آباد جهان وجود

\*\*\*\*

راحت اعیان ثمر رنج توست  
راحت اعیان ثمر رنج توست  
یکسره نابود شود روزگار  
یکسره نابود شود روزگار  
ای شرف دوده نوع بشر  
هیچ نبود، ار که وجودت نبود (۲)

دولت شاهان اثر گنج توست  
دولت شاهان اثر گنج توست  
گرتو دو روزی ندهی تن به کار  
گرتو دو روزی ندهی تن به کار  
شاد بمان ای هنر رنجبر  
ای ز تو آباد جهان وجود

\*\*\*\*

رنجبرا، معنی آدم تونی  
رنجبرا، معنی آدم تونی

باعث آبادی عالم تونی  
باعث آبادی عالم تونی

گرتو دو روزی ندهی تن به کار

یکسره نابود شود روزگار

گرتو دو روزی ندهی تن به کار

یکسره نابود شود روزگار

شاد بمان ای هنر رنجبر

ای شرف دوده نوع بشر

ای ز تو آباد جهان وجود

هیچ نبود، ار که وجودت نبود (۲)

شاد بمان ای هنر رنجبر

ای شرف دوده نوع بشر

ای ز تو آباد جهان وجود

هیچ نبود، ار که وجودت نبود (۳)

با تشکر از گروه هنری !

درین قسمت از محفل از دوست عزیز خود آقای بارز تقاضا نمودیم تا با صحبت های خود محفل ما را صفا بخشند.

به نام خدا

با سلام و درود خدمت شما عزیزان و سلام و درود به همه کارگران و زحمتکشان و ستمدیدگان سرزمین افغانستان

آمادگی ذهنی برای صحبت منسجمی ندارم، ولی فرصتی که مساعد شده میخوام با شما کمی راز دل کنم.

اولتر از همه تشکر و قدردانی دارم از جوانان غیور و آگاهی که امروز با شهامت و با آگاهی این محفل را تدارک دیدند تا ما بتوانیم دید و بازدیدی از همدیگر داشته باشیم و این روز بزرگ تاریخی تجلیل به عمل آوریم. راجع به ایجاد این روز تاریخی صحبت های فراوانی است.

در آن جبهه استعماری خون همدیگر را میریزند. امروز نبود کار و اشتغال کارگر زحمتکش ما به ابزاری در راس گروه های استعماری و تروریستی تبدیل کرده که برای ما همه واقعا رنج آور و غیر قابل قدر است .

امروز در کشوری بنام افغانستان که این همه سر و صدا از دموکراسی و حقوق بشر و انواع اتحاد و روابط بازی است با کمال تاسف هیچ نهاد و هیچ اداره ای حافظ منافع کارگران و زحمتکشان نیست و نمیشناسیم یک نهاد و یا یک اداره ای که واقعتی از حقوق کارگران و زحمتکشان در داخل افغانستان صحبتی داشته باشد. هیچ برنامه تنظیم شده ای برای یک راهکار روزی و برای حفظ حقوق کارگران و زحمتکشان امروز در داخل افغانستان متاسفانه وجود ندارد. هیچ برنامه ای بدون تدبیر حقوق اینها ، حقوقی که حداقل بتواند اینها را در سطح مظاهره های صنفی تنظیم بکند وجود ندارد. کارگر ما امروز ساعت کارش معلوم نیست. کارگر ما امروز هیچ برنامه ای تنظیم شده ای از ریاست کار و امور اجتماعی برای صحت کارش مشخص نیست. هیچگونه بیمه ای در هیچ بخشی از صحن اجتماعی و انواع و اقسام آن بتواند روزی این صدای رسا بلند میشود تا حداقل این اکثریت مظلوم نه از جهت مرده متحرک به حداقل حقوق و مزایای واقعی خود برسد. امروز فقر فاحش، بیکاری کامل، اعتیاد به مواد مخدر به همه ما هشدار میدهد که یک پس منظر بسیار خطرناک و وحشتناک در انتظار همه ما و شماست.

رژیم های گوناگونی که با ریختن خون هزاران انسان مظلوم و ستمکش در داخل افغانستان ایجاد شد که در ابتدا برادر عزیز ما مرور کوتاهی داشتند. که بالاخره هیچ ثمره واقعی برای ملت افغانستان نداشت. رژیم های گوناگونی که با رنگ میوندها و با مقداری تغییر چهره در سر و ریش مردان و چادر زنانه ایجاد شد و بیشترین حرکاتشان ، حرکت های استبدادی بود که وابسته به استعمار جهان و استعمار منطقه و از راه به اصطلاح استخبارات منطقه و جهان جریان افتاده بود.

من خیلی خوشحالم ازینکه با شما این دیدار را داریم هرچند محفل ما از نظر کمیت ما آرزو داشتیم که امروز در سطح شهر یک جنب و جوش بسیار عظیمی ایجاد بشود که او کمیت وجود ندارد اما از نظر محتوی هر کدام از شما عزیزان را بسیار بزرگ میدانم که این محفل را پر قوت میدانم. تجلیل ازین روز تنها تجلیل از اول می نیست. تجلیل ازین روز دفاع از کارگران و زحمتکشان و دفاع از حق و دفاع از عدالت اجتماعی است بر همه ما لازم است که درین روزها شرکت بکنیم و با مطالعات و شهامت توانسته باشیم از آنچه که امروز مورد رنج و بدبختی ملت افغانستان است آنرا بازگو بکنیم و نظرات خود را با یکدیگر شریک بسازیم.

پیشینه ای که کلیه کارگران و ستمکشان افغانستان قربانی اهداف پلید استعماری و منطوقی نشویم. کارگران، رنجبران و ستمدیدگان افغانستان امروز به عنوان ابزار نظامی درین جبهه استعماری و

زحمتکشان افغانستان را در میدان های نبرد، خون آنها را پامال ساختند. امروز زحمتکشان افغانستان دارای آن خرد سیاسی نیستند که دست به تشکل بزنند و به اجازه حضور خود کارهای انجام دهند و بدبختی اینجاست که ما عاشقان سینه چاکي هستیم که معشوقه ما را نمیشناسد. باید ازین حالت بیرون بیاییم. امروز رسم برین است که همه شما عزیزان، همه آگاهان، همه دلسوزان، همه و همه آنهايي که به عزت و شرف انسانیت و عدالت و آزادی اعتقادی دارند باید گردهم جمع شوند.

باید یه این اقشار محروم، حقوق و مزایا و حق مسلم آنها را باید بفهمانند. در غیر آن کارگر بیچاره آن خرد سیاسی را ندارد که بیاید متشکل شود و اجازه حضور خود درینجا کاری بکند. این آگاهی شما عزیزان باید به آنها بدهید. اما بدبختانه که امروز شعارها زیاد است ما باید میکانیزم های حقیقی را ایجاد بکنیم. ما باید ازین حالت تداوم درونی بیرون بشویم. امروز کارد به استخوان مردم رسیده است. من نمی گویم که دست به جنگ مسلحانه بزنید، حداقل آن راه مشروع و قانونی که امروز حق مسلم ماست و میتوانیم ازین روزنه ها استفاده بکنیم.

... همه غیر اقتصادیان به اشکال گوناگون به عنوان گوناگون به القاب گوناگون مردم افغانستان را به تباهی کشانیدند دور همدیگر جمع کنیم. همه دست به دست هم دادند کوچکترین نزاعی در بین آنها نیست اما بدبختانه ما کسانی که داد از عدالت خواهی میزنیم، داد از قانونیت میزنیم، داد از اتحاد و همبستگی میزنیم، هنوز نتوانستیم خود را حدودا روی آن مشترکات عمومی که میتواند ما را به همدیگر قطع و وصل باشد جمع بکنند.

این محفل هرچند کوچک، سر آغاز یک تحرک و حرکتی به سوی همبستگی همه آدم های بی نصیب این شهر میباشد. باز بیایید همین عهد و پیمان را ببندیم که ما دیگر مردان دیروز نیستیم ما حق داریم ما هم دایم العلوم به سوی تقدیر و معنوی خود و همه ستمدیدگان این سرزمین دفاع کنیم این حق مسلم ماست و انشاءالله این همبستگی در بین ما ایجاد شود.

کارگر زنده باد

همبستگی تان تهنیت و پایدار

از یک طرف جنگ و ناامنی و طرف دیگر رقابت های گوناگونی که افغانستان را امروز به میدان رقابت تمام تجاوزات منطقوی و جهانی غرب تیت و تیار کرده، زنگ خطر جنگ و ناامنی امروز از دروازه هر شهر و هر ده به صدا در آمده است. اوضاع در کل کشور اگر یک مقداری به سیمای ظاهری رسانه های نگاه نکنیم میان پرده ها و پشت پرده ها را مطالعه کنیم اوضاع در کل کشور به یک بمب در حالت انفجار میماند که سوپچ آن در بیرون از مملکت قرار دارد. امروز افغانستان ما یک شی نظامی یک صید کوچک، یک صید ریمیده، در چنگال خون آلود همه استعمارگران، همه چپاولگران و همه صیادان منطقوی و جهانی است. هر جنگی درین شهر بوی گند میدهد و هر صلحی بوی جنگ میدهد. استخبارات منطقه و جهان تا عمق استخوان این کشور داخل شده است. ما امروز در داخل افغانستان نه یک دولت متحد و یکپارچه داریم، نه یک اپوزیسیون متحد و یکپارچه داریم، و نه هم حتی یک کشور متحد و یکپارچه داریم، چرا؟ بخاطر اینکه در داخل تمام این دنیا دستهای گوناگون استخبارات منطقه و جهان دخیل است. و اینان در هر شکل و قیافه ای که خواسته باشند، میکشاند و درینجا منافع ملی و مدنی مردم افغانستان را زیر پا میکند. اداره افغانستان امروز مشخصا به یک شرکت سهامی تبدیل شده است، سهامدارانی که به نوعی با استخبارات منطقه و جهان وابسته اند، و شما اگر ادارات را از درون یک نگاهی بکنید کلا سرفلفی اشخاص و افرادی است که شرکت سهامی وجود دارد. هیچ جای برای فرزند کارگر برای فرزند زحمتکش جایگاه واقعی در درون ادارات افغانستان وجود ندارد ولو که نابغه جهانی باشد. خوب چی باید کرد؟ چرا این همه فقر؟ چرا این همه ظلم؟ مارکس یک چیز بسیار خوبی را میگوید: "فقر در جامعه نه ناگذیر است و نه یک حکم الهی" چیزی نیست که فلان جامعه باید فقیر باشد یا خدای ناخواسته حکم خدا باشد که بدبخت باشد.

فقر و بیکاری و بدبختی مردم افغانستان ریشه ای به وسعت تمام مناسبات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دارد، پیشگو و پیشینه تاریخی با تمام وابستگی های قدرت های گوناگونی دارد که سه دهه باری جنگها و هر دفعه حتی اوضاع و احوال طبق مرادشان بود این افغانستان هم اسلامی بود هم ملی، هر وقت مقدار منافع شان رو به اضمحلال رفت همان یک شبه افغانستان باز غیر اسلامی شد و غیر ملی شد و باز ما و شما رنجی داریم که به جان هم انداختند و

با تشکر و سپاس از آقای بارز!

ناتوان، می مانی از رفتن

ناتوان می مانی،

اما،

رفت باید،

رفت.

ناتوان، می مانی از گفتن.

ناتوان ، می مانی  
اما گفت باید،  
گفت.  
تا به کی خرگوش وار از وحشت روباه ،  
در پناه دره های دور باید خفت ؟  
درد در اینجاست .  
درد در این سینه ی تنهاست .  
این چه تدبیری ست ؟  
سرنوشت را می سازی که:  
تقدیرست .  
با شبان تیره می سازی که:  
باید ساخت .  
پس کجا،  
پس کی ،  
به زخم کینه باید تاخت؟  
ناتوان ،  
می مانی از رفتن،  
با دوپا از آهن و پولاد.  
ناتوان ،  
می مانی از گفتن ،  
با لب پر حرف ، پر فریاد .  
ناتوان ، می مانی ،  
اما  
گفت باید،  
گفت .  
هر چه دست طاق ،  
باید جفت .

درین قسمت قطعنامه هسته کارگری مبارز افغانستان توسط دوست عزیز ما کامران به سمع تان میرسد و همزمان با خواندن قطعنامه جمعی از دوستان ما به توزیع قطعنامه هسته کارگری مبارز افغانستان در میان اشتراک کنندگان خواهند پرداخت. به افتخار دوست ما کامران یک کف محکم!

## قطعنامه

در طی یازده و نیم سال گذشته وضعیت عمومی مردم اعم از زن و مرد و بخصوص اقشار وسیع زحمتکش افغانستان روز به روز بدتر شده می رود و همه روزه تعدادی به صفوف بیکاران می پیوندند. به همین خاطر تعداد زیادی از کارگران بینوای افغانستان برای به دست آوردن لقمه نانی عازم کشورهای همسایه میشوند. با وجودی که کارگران افغانستانی در کشورهای همسایه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران مورد تحقیر، توهین، آزار و اذیت قرار میگیرند، با آنهم به نسبت نبود کار در افغانستان مجبوراً از طریق قاچاق و با پرداخت پول هنگفت به آن کشور میروند. حتی بسیاری از کارگرانی که تازه عروسی می نمایند ناچارند که به شکل قاچاق به آن کشور مسافرت نمایند. تعداد زیادی از آنها از طرف سپاه پاسداران ایران دستگیر می شوند و اگر پولی رشوه ندهند برای شان دوسیه ساخته شده و روانه زندان ها میگردند و مدت ها در زندان های جمهوری اسلامی ایران به سر میبرند. حتی کسانی که میخواهند به کشورشان برگردند مدتها در اردوگاه های جهانی رژیم سفاک ایران به شکل بسیار فجیع و توهین آمیز نگه داری میشوند. مسئولیت این همه مشقت و بدبختی کارگران و عدم اشتغال شان در افغانستان به دوش کسانی است که امروز بر سرنوشت این کشور حاکم هستند، یعنی اشغالگران خارجی و دست نشانندگان داخلی شان.

در ظرف یازده و نیم سالی که از اشتغال کشور و عمر رژیم پویشالی میگذرد نه تنها وضعیت کارگران خرابتر گردیده بلکه اکثریت فارغین پوهنتون ها نیز به خیل بیکاران افزوده شده اند. آنها مجبورند که یا خودشان برای خود کاری دست و پا کنند و یا برای کار عازم کشورهای همسایه گردند. امروز در افغانستان بسیاری از محصلینی که از پوهنتون ها فارغ گردیده اند به صف کارگران در داخل افغانستان و یا کارگران آواره در کشورهای همسایه پیوسته اند.

بنابراین "هسته کارگری مبارز افغانستان" قویا به این باور است که خواست خروج کامل و بدون قید و شرط و هرچه سریعتر قوای خارجی اشغالگر از افغانستان و تامین استقلال سیاسی افغانستان، در عین حالیکه یک خواست برحق عمومی مردمان کشور است، یک خواست مشخص صنفی کارگران نیز محسوب می گردد. تجربه عملی یازده و نیم سال گذشته نشان داده است که حضور قوای اشغالگر خارجی

عامل عمده بی ثباتی، بی امنیتی، ویرانی و خانه خرابی مردمان کشور و بطور مشخص عامل عمده بیکاری و فقر کارگران و سایر اقشار زحمتکش و توده های وسیع از یکطرف و فربه شدن وحشتناک و هرچه بیشتر اقلیت کوچک وطنفروشان استثمارگر از طرف دیگر است.

در چوکات این خواست عمومی برحق، "هسته کارگری مبارز افغانستان"، خواست های اقتصادی و صنفی فوری کارگران کشور را قرار ذیل عنوان میکند:

۱ -- ایجاد زمینه های اشتغال برای عموم مردم بخصوص کارگران و فارغان پوهنتون ها تا از آواره شدن به کشورهای همسایه نجات یافته و بتوانند لقمه نانی در داخل کشور به دست آورند.

۲ -- ایجاد زمینه های تحصیلات عالی رایگان برای عموم مردم کشور: هم اکنون همه ساله هشتاد فیصد از فارغین صنوف دوازدهم از ادامه تحصیلات عالی محروم می گردند که اکثریت شان فرزندان زحمتکشان این مرز و بوم میباشند. اکثریت این فارغین یا به صف کارگران بیکار داخل کشور می پیوندند و یا بخاطر یافتن کار به کشورهای همسایه آواره می شوند.

۳ -- تثبیت حد اقل معاش کارگران متناسب با نیازمندی های امروزی و رشد روز افزون تورم.

۴ -- برخورداری کارگران از حق ایجاد تشکلات کارگری، بیمه کار و معاش تقاعدی مناسب.

۵ -- دریافت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی: امروز در افغانستان اگر کاری هم پیدا شود، زنان به شدیدترین وجه استثمار میشوند و دستمزد خیلی کمتر از مردان دریافت میکنند. باید زنان کارگر بتوانند در برابر کار مساوی با مردان، دستمزد مساوی با آنها دریافت نمایند.

۶ -- لغو کار اطفال زیر ۱۸ سال و ایجاد زمینه های مساعد تحصیل برای آنها. اطفال نباید مجبور باشند به کارهای طاقت فرسای جسمی بپردازند.

۷ -- حمایت از حقوق کارگران و زحمتکشان افغانستانی آواره در کشورهای خارجی و تعقیب و بررسی دوسیه های کسانی که بنام های گوناگون در زندان های کشورهای همسایه به سر می برند.

۸ -- به رسمیت شناخته شدن روز اول می یا روز جهانی کارگر و تعطیلی عمومی این روز در افغانستان.

برای بدست آوردن این خواسته های فوری و سایر خواسته ها، کارگران به آگاهی سیاسی و تشکلات مبارزاتی طبقاتی نیاز دارند. بنابراین لازم است که مبارزه برای اشاعه آگاهی سیاسی طبقاتی در میان کارگران و متشکل ساختن شان در تشکلات مبارزاتی کارگری را با تمام قوت و توان مان پیش ببریم.

هسته کارگری مبارز افغانستان تمامی کارگران افغانستان را به همدلی و اتحاد مبارزاتی فرا می خواند و از همه آنها دعوت به عمل می آورد که: بیا بید با مجهز شدن به آگاهی سیاسی و برخورداری از تشکلات کارگری، همه در یک صف واحد مبارزاتی به پیش رویم.

## هسته کارگری مبارز افغانستان

اول می ۲۰۱۳

در اخیر یکی از دوستان ما تقاضا دارند تا یک نغمه رباب برای تان کار کنند. لطفا تشویق شان کنید. ( اجرای ۵ دقیقه نغمه رباب و تشویق دوستان حاضر در تالار)

حکایت همچنان باقیست

به پایان آمد این دفتر

با تشکر از دوست عزیز ما کامران !

با ابراز سپاس و امتنان از اینکه به محفل ما صفا بخشیدید.

هسته کارگری مبارز افغانستان امیدوار است که بتواند مبارزات خود را با هماهنگی هرچه بیشتر و وسیعتر و با اتحاد و وحدت مبارزاتی شما عزیزان و سایر زحمتکشان کشور به پیش سوق دهد. به امید موفقیت های هرچه بیشتر و با عرض پوزش اگر در جریان محفل با کمی و کاستی مواجه شده باشید، ختم محفل امروزی را اعلام میکنم.